



THE ROLE OF DIFFERENCES IN QIRA'ATS ON THE CHANGE OF MEANING IN SURAH AL-KAHF*

Ali Asvadi¹

Nasim Teymouri²

Abstract

The knowledge of reciting the Qur'an deals with the ways of reciting and pronouncing the words of the Qur'an. Differences in recitation due to the differences in these methods can play an important role in understanding the words and verses of the Holy Quran. The role of "ikhtilafu'l Qiraat" [differences among recitations] can be examined from different aspects.

This article intends to investigate the role of structural and conceptual differences in the meaning of the verses of one of the chapters of the Holy Quran based on data collection and descriptive-analytical method. Therefore, it has benefited from the two commentaries of Al-Kashaf (by Zamakhshari) and Al-Tahrir and Al-Tanwir (by Ibn Ash'ur) as two famous Sunni commentaries and the commentary of Majma 'al-Bayan (by Tabarsi) and Tebyan (by Tusi) as two famous Shiite commentaries that pay special attention to the meaning of verses.

Surah Al-Kahf is a suitable example for the mentioned subject due to having a suitable volume of differences in readings. From the point of view of these commentators, among the 110 verses of Surah Al-Kahf, in 44 verses, there is a difference in recitation. The differences were observed that in 21 verses, are limited to the utterance of words and cases of Sajavandi that have no semantic effect, and in 23 verses, the difference in reading leads to a slight semantic change that can be ignored and it is not considered evidence of the distortion of this divine book.

Keywords: Varriant Readings, Change of Meaning, Incorruptibility, Al-Kahf, Zamakhshari, Ibn Ashour, Tabarsi, Tusi.

*. **Date of receiving:** 13 May 2019, **Date of approval:** 4 December 2020.

1. Assistant Professor Kharazmi University, Tehran: asvadi@khu.ac.ir.

2. Student of 4th Level, Kosar Higher Education Complex, Tehran (Corresponding Author): nasitey@gmail.com.



نقش اختلاف قرائات بر تغییر معنا در سوره مبارکه کهف*

علی اسودی^۱ و نسیم تیموری^۲

چکیده

دانش تلاوت قرآن به شیوه‌های قرائت و ادای واژه‌های قرآن می‌پردازد. اختلاف قرائت که به تفاوت این شیوه‌ها بازمی‌گردد، می‌تواند نقشی مهم در فهم واژه‌ها و آیات قرآن کریم ایفا کند. نقش اختلاف قرائت از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. این مقاله در نظر دارد تا بر اساس گردآوری داده‌ها و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش اختلاف قرائات از جهت ساختاری و مفهومی در معنای آیات یکی از سوره قرآن کریم بپردازد. از این رو، از دو تفسیر کشاف (زمخشری) و التحریر و التویر (ابن عاشور) به عنوان دو تفسیر مشهور اهل سنت و تفسیر مجمع البیان (طبرسی) و تبیان (طوسی) به عنوان دو تفسیر مشهور شیعه که اهتمام ویژه‌ای به نقش اختلاف قرائات در معنای آیات الهی دارند، بهره‌مند شده است. سوره مبارکه کهف با توجه به دارا بودن حجم مناسبی از اختلاف قرائات، نمونه مناسبی برای مبحث مذکور است. از دیدگاه این مفسران در میان ۱۱۰ آیه سوره کهف، در ۴۴ آیه اختلاف قرائت مشاهده می‌شود که در ۲۱ آیه، اختلاف‌ها محدود به ادای واژه‌ها و موارد سجاوندی است که اثر معنایی ندارند و در ۲۳ آیه، اختلاف قرائت به تغییر معنایی جزئی منجر می‌شود که قابل چشم‌پوشی است و دلیلی بر تحریف این کتاب الهی نیست.

واژگان کلیدی: قرآن، اختلاف قرائات، تغییر معنا، تحریف‌ناپذیری، کهف، زمخشری، ابن عاشور،

طبرسی، طوسی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴.

۱. استادیار دانشگاه خوارزمی، تهران: asvadi@khu.ac.ir.

۲. دانش‌پژوه سطح چهار مجتمع آموزش عالی کوثر تهران (نویسنده مسئول): nasitey@gmail.com.



۱- مقدمه

علم قرائت یکی از علوم قرآنی است که در ترجمه و فهم کلام الهی تأثیر بسزایی دارد. حضرت رسول ﷺ به عنوان اولین قاری و پس از ایشان صحابه جلیل القدر و در رأس ایشان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در حفظ و قرائت و کتابت این کتاب مقدس تلاش فراوان کردند. به تدریج از نیمه دوم قرن اول هجری با آموزش قرآن کریم توسط صحابه و تابعان اختلاف در قرائات واژگان قرآن کریم شکل گرفت. این اختلاف با سپری شدن دوره صحابه و تابعان بر سر عواملی همچون ابتدایی بودن خط، بی نقطه بودن حروف، عاری بودن از علائم و حرکات، نبودن الف در کلمات و لهجه های متفاوت پررنگ تر شد (ر.ک: امینی، براتیان، بررسی عوامل و کاربردهای اختلاف قرائات قرآن از دیدگاه دانشمندان علوم قرآن و آیت الله فاضل لنکرانی، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸). در این میان نباید از نقش بازی های سیاسی برای مشغول کردن مردم از اصل وحی و پرداختن به ظواهر، همچنین کسب وجهه اجتماعی و اجتهاد قراء غافل شد (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). در اوایل قرن سوم هجری گروهی در صدد معرفی قرائات صحیح برآمده و به این ترتیب دانش قرائات شکل گرفت. از جمله افرادی که در راه این هدف گام نهادند؛ ابو عبیده قاسم بن سلام انصاری، احمد بن جبیر کوفی، قاضی اسماعیل بن اسحاق مالکی هستند (ابن جزری، النشر فی قرائات العشر، ۱۴۳۴: ۳۴/۱).

از جمله مباحث اصلی علم قرائات، میزان تأثیرگذاری اختلافات قرائات بر معنای آیات است. برخی از صاحب نظران علوم قرآنی بر این باورند که اختلاف قرائات، موجب تغییر در معنا و مراد الهی می شود. دلیل عمده ایشان، حدیث معروف «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْزَفٍ وَأَذْنَى مَا لِلْإِمَامِ أَنْ يُفْتِيَ عَلَى سَبْعَةِ وُجُوهِ» (صدوق، الخصال، ابواب السبعة، ۱۴۰۳: ۳۵۸/۲) است که حرف را در آن به معنای قرائت گرفته و این حدیث را دلیل بر جواز قرائت های مختلف شمرده اند (سیوطی، ۱۳۶۰: ۱۲۳).

در مقابل برخی دیگر معتقدند، قرآن کریم به یک قرائت بر حضرت رسول ﷺ نازل شده که همان قرائت رایج در بین عموم مسلمانان است. ایشان بر این باورند که اختلاف قرائات موجود یا تأثیری در معنا نداشته یا به قدری تأثیرش کم است که قابل اغماض بوده و اثری در مراد الهی ندارد. ایشان مراد از «احرف» در حدیث مذکور را لهجه های گوناگون دانسته و بر این باورند که خداوند متعال برای توسعه و تسهیل امت، دامنه ای در قرائت فراهم کرده است که افراد به خاطر لهجه های مختلف و در فرض عدم آموزش پذیری به سختی نیفتاده و از محتوا و معارف والای این کتاب آسمانی بهره ببرند (معرفت، علوم

قرآنی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). همچنین ایشان معتقدند، بسیاری از اختلاف قرائات، اختلاف در چگونگی تلفظ الفاظ از قبیل ادغام، اظهار، اماله، ترقیق، تفخیم، اشمام، اتمام و... است که تأثیری در اصل معنا ندارد (همان: ۱۶۶).

۲- پیشینه

از نخستین صحابی که به این مبحث پرداختند، مصعب بن عمیر و عبدالله بن ام مکتوم هستند. نخستین فردی که در این فن، حوزه درس رسمی داشته و در مسجد به آموزش مردم پرداخته، عبدالله بن مسعود (۳۲ق) است (ذهبی، معرفة القراء الکبار، ۱۹۶۷م: ۳۵/۱). با فاصله از عصر نزول این اختلافات بیشتر شده تا جایی که اختلاف قرائات به یکی از مباحث مهم علوم قرآنی تبدیل شد. این مبحث گاهی در لابه لای مباحث علوم قرآنی مثل کتاب «علوم قرآنی»، آیت الله معرفت (۱۳۸۹ش) و کتاب «آشنایی با علوم قرآنی»، رکنی یزدی (۱۳۷۹ش)، گاهی در تفاسیر مانند تفسیر «مجمع البیان»، طبرسی (۱۴۱۴ق) و تفسیر «المیزان»، علامه طباطبایی (۱۴۰۹) و گاهی هم به صورت تک نگاری مثل کتاب «النشر فی قرائات العشر»، ابن جزری (۱۴۳۴ق) و کتاب «اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعة عشر»، اثر دمیاطی (۱۴۲۲ق) مورد اهتمام محققان و قرآن پژوهان واقع شده است. این علم به قدری مورد توجه بوده است که از سال ۱۵۰ تا ۳۰۰ هجری بیش از شصت کتاب در قرائات نوشته شده است (فاکر، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۴).

در عصر حاضر کتاب هایی همچون موسوعه «التمهید»، آیت الله معرفت (۱۳۸۹ش)، «القرائات القرآنیة»، عبدالحلیم قابه (۱۴۲۸ق) و مقالاتی همچون «بررسی چگونگی تأثیر اختلاف قرائات در برداشت های تفسیری مجمع البیان»، مهدی اکبرنژاد (۱۳۹۲) و «تبیین روش مند و علمی بودن بی تأثیری اختلاف قرائات بر تحریف قرآن از دیدگاه استاد معرفت»، عبدالحکیم بهجت پور (۱۳۹۸) به این بحث پرداخته شده است.

شایان ذکر است، بیشتر آثار موجود یا تنها به بحث تحریف ناپذیری قرآن اشاره دارند (ر.ک: نیک طبع، عامری، تحلیل اختلاف قرائات و رابطه آن با تحریف قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، یا به صورت موردی آیه ای را مورد توجه قرار داده، یا با در نظر گرفتن نظر یک مفسر این مبحث را دنبال کرده اند. از این رو، ضروری است، برای بررسی میزان اثرگذاری اختلاف قرائات بر تغییر معنا به صورت عملیاتی، به بررسی نقش اختلاف قرائات در سوره ای که حجم مناسبی از اختلاف قرائات را به خود اختصاص داده، از منظر



مفسرانی که اهتمام ویژه‌ای به این امر دارند، مورد دقت قرار گیرد. اثر حاضر درصدد بررسی میزان نقش اختلاف قرائات در سوره مبارکه کهف و تأثیر آن در تغییر معنا از دیدگاه زمخشری و ابن عاشور دو مفسر به نام اهل سنت و طوسی و دو مفسر شهیر شیعه که به نقش اختلاف قرائات در معنا توجه ویژه داشتند، پرداخته است تا از این رهگذر بتواند به دو پرسش پاسخ دهد: ۱. اختلاف قرائات بر معنای کدام آیات تأثیرگذار بوده است؟ ۲. این تأثیرگذاری به چه میزان بوده است؟

۳- مفهوم‌شناسی

قرائت از ریشه «قرأ» به معنی پیوستگی و انضمام بعضی از حروف و کلمات با بعضی دیگر است. به خواندن از روی قرآن «قرائت» گویند که در آن حروف و کلمات کنار هم جمع می‌شوند. این معنا در ترتیل قرآن نیز لحاظ شده است. برخی وجه تسمیه قرآن را این می‌دانند که در آن سوره‌ها جمع شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۸۹: ۱۲۸/۱؛ جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۰۴: ۶۵/۱). برخی دیگر وجه تسمیه را محتوای آن دانسته که حاوی احکام و قصص و امر و نهی و غیر این‌هاست (ابن فارس، مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ق: ۷۹/۵). یا اینکه جامع ثمرات و بهره‌های کتاب‌های دیگر بلکه جمیع دانش‌هاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۹). همان‌طور که خداوند متعال در سوره قیامت می‌فرماید: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ، فَإِذَا قُرْآنَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ (قیامت/۱۶)؛ «همانا گردآوردن و خواندن آن بر عهده ماست، پس چون آن را خواندیم، قرائت آن را دنبال کن.»

اصطلاح قرائت در علوم قرآنی به شکل‌های مختلفی تعریف شده است. در یک تعریف، علم قرائت، علم کیفیت ادای واژگان قرآن بر مبنای روایات مربوط به آن قلمداد می‌شود که با قرائت به معنای تلاوت تفاوت چشمگیری دارد (ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۴۲۰: ۳). در تعریفی دیگر، علم قرائت، علم چگونگی ادای واژگان قرآن و اختلاف آن‌ها همراه با انتساب به ناقل آن خواننده می‌شود، پس موضوع آن، واژگان قرآن و بحث از احوال واژگان مانند مد و قصر و مرجع نقل آن‌ها است (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، ۱۴۲۲ق: ۳/۱؛ عبدالفتاح قاضی، البدور الزاهرة فی القراءات العشر المتواتره من طریق الساطبیه والدره، ۱۴۲۶ق: ۴/۱). اهمیت علم قرائت قرآن تا آن حد است که موجب پیدایش علوم چون تجوید، وقف و ابتدا، صوت و لحن، اعراب قرآن و به دنبال آن، نگارش آثاری اختصاصی شده است (اقبال، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۴۵).



۴- گونه‌های تأثیر اختلاف قرائت در معنا

با توجه به این‌که مبنای کار این نوشتار، تفسیرهای نامبرده است، تمامی قرائاتی که در این تفاسیر ذکر شده، اگرچه قرائتی شاذ باشد، آورده شده تا به بررسی جامعی از تأثیر معنایی اختلاف قرائات نایل شویم. در ادامه به برخی از اختلاف قرائت‌هایی که موجب تغییر معنایی نمی‌شوند، اشاره می‌شود.

الف. اختلاف قرائت بدون تغییر معنایی

برخی از اختلاف قرائت‌ها موجب تغییر در معنای آیه نمی‌شوند. ۲۵ آیه از آیات سوره کهف با وجود اختلاف در قرائت، اختلافی در معنا نمی‌یابند.

۱- «قِيَمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا» (کهف/۲)؛ «کتابی راست و درست تا به عقوبتی سخت از نزد خود هشدار دهد و مؤمنان را که کارهای شایسته می‌کنند، نوید بخشد که ایشان را پاداشی نیکوست.»
وجوه قرائت «لدنه»:

قرائت ابوبکر به روایت یحیی: اشمم دال به ضم و کسره هاء و نون «لدنِه» (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/۶۹۲؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/۷۰۳).

قرائت ابن‌کثیر: به سکون نون و ضم هاء «لدنه» مثل منه که در اصل منهو بوده و واو به اختصار حذف شده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/۳).

۲- «وَإِذْ اغْتَرَبْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا» (کهف/۱۶)؛ «و چون از آن‌ها و از آنچه جز خدا می‌پرستند، کناره گرفتید؛ پس به این غار پناه جوید تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگسترد و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد.»
وجوه قرائت «مرفقا»:

۱. قرائت اهل مدینه، ابن‌عامر، اعشی، برجمی از ابی‌بکر: به فتح میم و کسر فاء «مَرَفِق» (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/۶۹۹).

۲. قرائت زجاج و کسائی: به کسر میم و فتح فاء «مِرْفَق» (همان).

۳. قرائت فراء و حسن: به کسر میم و فتح آن «مِرْفَق، مَرَفَق» (ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۱۷).

۳- «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرُّبُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا» (کهف/۱۷)؛ «و خورشید را می‌دیدى وقتی که طلوع می‌کند، از غارشان به سمت راست میل می‌کند و چون غروب



می‌کند، از سمت چپ‌شان می‌گذرد و آن‌ها در محل وسیعی از غار بودند. این از نشانه‌های قدرت خداست. هرکه را خدا هدایت کند، او هدایت یافته است و هرکه را گمراه کند، هرگز برای او سرپرستی راهنما نخواهی یافت.»

وجوه قرائت «تزاور»:

قرائت ابن عامر و یعقوب: به تشدید زا «تَزَوْر» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۷/۶) به فتح تاء، تخفیف زاء و سکون آن، فتح واو و تشدید راء بدون الف «تَزَوْر» (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/۱۷).

قرائت اهل کوفه: به تخفیف «تَزَاوَرُ» (همان).

قرائت جمهور: به تشدید زا «تَزَاوَر» (همان).

قرائت عاصم و جحدری: «تَزَوَار» مثل تحمار و تصفار (همان).

قرائت نافع، ابن ثیر، ابو عمرو و ابوجعفر: به فتح تاء، تشدید زاء که بعد آن الف باشد و فتح واو «تَزَاوَر» (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۳۴).

۴- ﴿وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا﴾ (کهف/۱۹)؛ «و این چنین آنان را برانگیختیم تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند. یکی از آن‌ها گفت: چه مدت (اینجا) مانده‌اید؟ گفتند: روزی یا مقداری از روز مانده‌ایم، (سرانجام) گفتند: پروردگارتان بهتر می‌داند، چه مدت مانده‌اید. اینک یکی از خودتان را با این پول‌تان به شهر بفرستید و باید ببینید کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن غذایی برایتان بیاورد و باید دقت کند کسی را از (مکان) شما آگاه نسازد.»

وجوه قرائت «ورق»:

قرائت جمهور: به فتح واو و کسر راء «وَرِق» (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/۲۲)؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۷/۶؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۳۹).

قرائت ابو عمرو، ابوبکر، حمزه: فتح واو و سکون راء «وَرِق» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۷/۶).

قرائت ابن جنی: به کسر واو و سکون راء «وَرِق» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۷/۶).



- ۵- ﴿وَلَيْثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ (كهف/ ۲۵)؛ «و سیصدسال در غارشان درنگ کردند و نه سال بر آن افزودند.»
وجوه «ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ»:
قرائت جمهور: «ثَلَاثَ مِائَةٍ» به تنوین و نصب «سینین» (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۵۲).
قرائت حمزه و کسایی و اهل کوفه غیرعاصم: اضافه کردن «مائه» به «سینین» بنابر تمییز بودن (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/ ۷۱۳).
قرائت عبدالله: «سینین» عطف بیان «ثلاثمائة» همچنین به صورت اضافه «ثلاثمائة سینین» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۱۶)
قرائت ابی: «ثلاثمائة سنه» (همان).
۶- ﴿وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا﴾ (كهف/ ۴۳)؛ «و گروهی نداشت که او را در برابر خدا یاری دهند و خود نیز قدرت دفاع نداشت.»
وجوه قرائت «لم تكن»:
۱. قرائت جمهور: «لم تكن» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۱۶؛ ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۷۳).
۲. قرائت حمزه و کسایی و اهل کوفه به جز عاصم: «لم يكن» (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۷۳).
۷- ﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾ (كهف/ ۴۵)؛ «و بر ایشان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرستادیم، پس گیاه زمین با آن در آمیخت (و سرسبز شد) و آنگاه خشکید که بادهای آن را به هر سو می پراکند و خدا بر هر چیزی قادر است.»
قرائت ابن عباس: «تذرية الريح» از «أذرى» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۲۵).
۸- ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أُنْذِرُوا هُزُوًا﴾ (كهف/ ۵۶)؛ «ما پیامبران را جز مژده دهندگان و بیم رسانان نمی فرستیم. کسانی که کافر شدند، به باطل مجادله می کنند تا به وسیلهی آن حق را پایمال سازند. آن ها آیات من و آنچه که بدان بیم داده شده اند، به ریشخند گرفته اند.»
وجوه قرائت «هزوا»:
قرائت جمهور: به ضم زاء «هُزُوا» (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۹۲).



قرائت حمزه: به سکون زاء «هْزء» (همان).

۹- ﴿قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا﴾ (کهف/ ۶۳)؛ «گفت: آیا به یاد داری؟ وقتی کنار آن صخره جا گرفته بودیم، ماهی را از یاد بردم و جز شیطان کسی آن را از یاد من نبرد، از اینکه یادآور شوم و ماهی به طور عجیبی راه خود را در دریا پیش گرفت.»

وجوه قرائت «ما أَنَسَانِيهِ»:

قرائت حفص از عاصم: به ضم هاء «ما أَنَسَانِيهِ» (ابن عاشور، التحرير والتنوير، ۱۴۲۰ق: ۱۰۴).

قرائت مشهور: به کسر هاء «ما أَنَسَانِيهِ» (همان).

در قرائت عبدالله «أَنْ أَذْكُرْكَ» آمده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۳۳).

۱۰- ﴿قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا﴾ (کهف/ ۶۴)؛ «گفت این همان است که به دنبالش بودیم، آنگاه پی جویانه رد پای خود را گرفتند و برگشتند.»

وجوه قرائت «نَبِغُ»:

قرائت ابی عمرو: «نَبِغِي» با «یاء» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۳۳).

قرائت برخی از قاریان: «نَبِغ» در حالت وصل بدون «یاء» (همان).

۱۱- ﴿قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾ (کهف/ ۶۶)؛ «موسی به او گفت: آیا

از پی تو بیایم تا از حکمتی که تعلیم شده‌ای به من بیاموزی؟»

وجوه قرائت «رُشْدًا»:

قرائت ابو عمرو، یعقوب: به فتح راء و شین «رُشْدًا» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴

ق: ۶/ ۷۴۴؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۳۴).

قرائت جمهور غیر از ابن عامر: به ضم راء و سکون شین «رُشْدًا» (همان).

۱۲- ﴿قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا﴾ (کهف/ ۷۰)؛ «گفت: پس

اگر از پی من آمی، از چیزی سؤال نکن، تا خود از آن با تو سخن آغاز کنم.»

وجوه قرائت «فَلَا تَسْأَلْنِي»:

قرائت اهل مدینه و شام: به تشدید نون «فَلَا تَسْأَلْنِي» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،

۱۴۱۴ق: ۶/ ۷۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۳۵).

قرائت جمهور: به سکون نون «فَلَا تَسْأَلْنِي» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،

۱۴۱۴ق: ۶/ ۷۴۵).



قراءة نافع: به همزه و فتح لام و تشدید نون «فَلَا تَسْأَلْنِي» (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۱۰۵).

قراءة ابن عامر: با حذف ياء متکلم (همان).

۱۳- «فَانْظُرْنَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا»

(کهف: ۷۴)؛ «هر دو براه افتادند تا به پسری برخوردند و (خضر) او را کشت. (موسی) گفت: آیا

بی گناهی را که قتلی مرتکب نشده بود، به قتل رساندی؟! واقعا کار منکری مرتکب شدی!»

وجوه قرائت «زکیه»:

قراءة اهل كوفه، شام و سهل: به غیر الف (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/

۷۴۷؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۳۶)؛ قرائت جمهور (ابن عاشور، التحرير و

التنوير، ۱۴۲۰ق: ۱۱۳).

قراءة جمهور: با الف «زاکیه» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۷۴۷؛

زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۳۶)؛ قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابوجعفر، رويس از یعقوب

(ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۱۱۳).

وجوه قرائت «نکرا»:

قراءة اهل مدينة غير از اسماعیل و ابوبکر و یعقوب و سهل و ابن ذکوان: به دو ضم «نُکرا»

(ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۳؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۳۵).

قراءة جمهور: سکون کاف «نُکرا» (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۱۴۲۰ق: ۱۱۳).

۱۴- «فَانْظُرْنَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ

يَنْقُصَ فَاَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا» (کهف/ ۷۷)؛ «آنگاه به راه افتادند تا به مردم قریه‌ای

رسیدند و از اهل قریه، طعامی خواستند. ولی از پذیرایی آنها خودداری کردند، پس در آنجا دیواری

یافتند که می‌خواست منهدم شود. (خضر) آن را برپا داشت. موسی گفت: اگر می‌خواستی، برابر این

کار مزدی می‌گرفتی.»

وجوه قرائت «لتخذت»:

قراءة ابن كثير و اهل بصره: به کسر خاء و بدون تشدید «لَتَخِذْتَ» ماضی اتخذ (طبرسی،

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۴۹).

قراءة جمهور: به فتح خاء و تشدید «لَاتَخَذْتَ» ماضی اتخذ (همان).

۱۵- «فَارَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاءً وَأَقْرَبَ رَحْمًا» (کهف/ ۸۱)؛ «پس خواستیم

پروردگارشان آن دو را به پاک‌تر و مهربان‌تر از او عوض دهد.»



وجوه قرائت «أَنْ يبدلهما»:

قراءة أهل مدينة و ابوعمر: به فتح یاء و تشدید دال از تبدیل (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۷۸).

قراءة جمهور: به تخفیف دال از ابدال (همان).

وجوه قرائت «رحما»:

قراءة ابن عامر، ابو جعفر، یعقوب: به ضم حاء «رُحْما»: (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۷۸).

قراءة جمهور: به سکون حاء «رُحْما»: (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/ ۷۵۴؛ شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۷۸).

۱۶- ﴿فَاتَّبَعَ سَبَبًا﴾ (کهف/ ۸۵)؛ «و او به دنبال سبب، به حرکت در آمد.»
وجوه قرائت «فَاتَّبَعَ» فرموده:

قراءة أهل كوفه و ابن عامر: به همزه قطع و فتح آن و تخفیف و سکون تاء (شیخ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۷۸؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۴۳).

قراءة جمهور: به الف وصل و تشدید و فتحه تاء (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۷۸).
۱۷- ﴿وَأَمَّا مَنْ أَمَّنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرٍ أُنْشَرًا﴾ (کهف/ ۸۸)؛ «اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح کند، او را پاداش نیکوست و به او از فرمان خود تکلیفی آسان خواهیم گفت.»

وجوه قرائت «جزاء»:

قراءة ابوبکر و یعقوب، حمزه، کسائی، حفص از عاصم: به نصب و تنوین «جَزَاءً»: (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/ ۷۵۸؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۱۲۸).

قراءة جمهور: به رفع و اضافه (همان).

۱۸- ﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾ (کهف/ ۹۵)؛ «گفت: آنچه خداوند در اختیار من قرار داده، بهتر است، پس مرا به نیروی خود کمک کنید تا میان شما و ایشان، سدّ (محکمی) بسازم.»

وجوه قرائت «مکّتی»:

قراءة ابن كثير: به دو نون (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/ ۷۶۲؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۴۳).



قراءة جمهور: به یک نون مشدد (زمنخشی، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/۷۴۷).

۱۹- «آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا» (کهف: ۹۶)؛ «قطعات آهن را بیاورید. هنگامی که میان دو کوه را برابر نمود، گفت: (در آن) بدمید. تا آن وقت که آن را سرخ و گداخته کرد، گفت: حالا مس ذوب شده بیاورید تا روی آن بریزم.»
وجوه قرائت «اتونی»:

قراءة حمزه و يحيى: «ايتونى» (طبرسى، مجمع البيان في تفسير القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۲؛
زمنخشی، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/۷۴۸).

قراءة جمهور: «آتونی» (طبرسى، مجمع البيان في تفسير القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۲).
قراءة اهل كوفه به غير از عاصم: به قصر: (طوسى، التبيان في تفسير القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/۹۲).
وجوه قرائت «صدفين»:

قراءة اهل مدینه و كوفه به جز ابوبكر: به فتح صاد و دال «صَدَفَيْنِ» (طبرسى، مجمع البيان في
تفسير القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۲)

قراءة جمهور: به ضم صاد و دال «صُدْفَيْنِ» (همان).
۲۰- «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف/ ۹۷)؛ «پس (یأجوج و مأجوج)
نتوانستند از آن دیوار بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند.»
وجوه قرائت «اسْتَطَاعُوا»:

قراءة حمزه: به تشدید طاء: (طبرسى، مجمع البيان في تفسير القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۲).
قراءة جمهور: بدون تشدید طاء (زمنخشی، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/۷۴۷).
۲۱- «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»
(کهف/ ۱۰۹)؛ «بگو: اگر دریا برای کلمات پروردگارم، مرکب شود، بی شک دریا تمام می شد پیش از
آن که کلمات پروردگارم تمام شود. هر چند دریای دیگری نیز به کمک بیاوریم.»
وجوه قرائت «ينفد»:

قراءة كوفيان به جز عاصم: به «ياء» (طبرسى، مجمع البيان في تفسير القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۸؛
زمنخشی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۴۷).

قراءة جمهور: به «تاء» (طبرسى، مجمع البيان في تفسير القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۸).



ب. اختلاف قرائات با تغییر معنایی

در این بخش، اختلاف قرائاتی که موجب تغییر معنایی می شود با عنایت به نظر مفسران مذکور در تغییر معنای حاصل از اختلاف قرائات آورده شده است. شایان ذکر است، برخی از این تغییرات معنایی به قدری ناچیز است که می تواند نادیده گرفته شود.

۱- «مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِإِبْرَاهِيمَ كِبَرُتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا» (کهف/ ۵)؛ «نه آنان و نه پدرانشان به این (گفتار) دانشی ندارند. چقدر بزرگ است، سخنی که از دهانشان بیرون می آید. جز دروغ نمی گویند.»
وجوه قرائت «کَلِمَةً»:

رفع بنابر فاعل بودن: سخن بزرگی از دهانشان خارج می شود (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۰۳).
نصب بنابر تمییز بودن. قرائت بلیغ تر و عبارت «كَبُرَتْ كَلِمَةً» متضمن ابراز شگفتی است، همانند «ما اکبرها کَلِمَةً»: چقدر بزرگ است سخنی که از دهانشان خارج می شود (همان)
اختلاف قرائت در این آیه، اختلاف در شدت و ضعف معنایی را در پی دارد.
۲- «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف/ ۶)؛ «چه بسا تو از پی (اعراض) آن ها اگر به این گفتار ایمان نیاورند، خود را از اندوه هلاک کنی.»
وجوه قرائت «بَاخِعٌ نَفْسِكَ»:

«بَاخِعٌ نَفْسِكَ»: چه بسا اگر آن ها به این گفتار ایمان نیاورند، از اندوه کشنده خویش شوی (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۰۳)
«بَاخِعٌ نَفْسِكَ»: کشنده و نابودکننده نفس خویش هستی (همان).
وجوه قرائت «إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا»:

«إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا» برای استقبال: چه بسا تو از پی (اعراض) آن ها اگر به این گفتار در آینده، ایمان نیاورند، خود را از اندوه هلاک کنی (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۷۰۳).
«أَنْ لَمْ يُؤْمِنُوا» برای گذشته: چه بسا تو از فرط اندوه به دلیل اینکه آن ها به این گفتار ایمان نیاوردند، خود را هلاک کنی (همان).

در اینجا نیز اختلاف قرائات موجب اختلاف در معنا می شود.

۳- «وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنَقَلْنَاهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رِعْبًا» (کهف/ ۱۸)؛ «آنان را بیدار پنداشتی، در حالی که خفته بودند و آن ها را به پهلوی راست و چپ می گردانیدیم و سگ شان بر آستانه غار دو بازوی خود را گشاده بود، اگر بر آن ها مشرف می شدی بی تردید به آن ها پشت کرده و می گریختی و وجودت از بیم شان آکنده می شد.»



وجوه قرائت «لملئت»:

قرائت اهل حجاز و ابن كثير و نافع «لملئت» به تشدید لام برای مبالغه در ملء: بسیار وجودت از بیم‌شان آکنده می‌شد (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۷۰۸/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۷۰۳/۲؛ ابن‌عاشور، الکشاف، ۱۴۲۰ ق: ۳۴).

قرائت باقی قراء: به تخفیف لام بنابر اصلش (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/۷۶۸؛ ابن‌عاشور التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۳۴).

وجوه قرائت «رعباً»:

قرائت ابن عامر، ابوجعفر، یعقوب «رُعباً» به ضم عین (ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۳۴).
قرائت جمهور «رُعباً» به سکون عین (همان).

وجوه قرائت «نقلبهم»:

«یقلبهم»: خداوند آن‌ها را به پهلوی راست و چپ می‌گرداند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۷۰۹/۲).
«تقلبهم»: (توی خدا) آن‌ها را به پهلوی راست و چپ می‌گرداندی (همان).

در اینجا نیز اختلاف قرائات موجب اختلاف در معنا می‌شود.

۴- ﴿قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصَرُ بِهِ وَاسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدٌ﴾ (کهف/ ۲۶): «بگو: خدا به مدتی که درنگ کردند آگاه‌تر است، غیب آسمان‌ها و زمین و یزهی اوست، چه بینا و چه شنواست! آنان را جز او سرپرستی نیست و او در حکم خود کسی را شریک نمی‌سازد.»
وجوه قرائت «لا يُشْرِكُ»:

قرائت ابن عامر و حسن بصری «لا تُشْرِكُ» تاء خطاب و جزم: کسی را در حکم او شریک نساز (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۷۰۳/۲؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۳۲/۷؛ ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۵۲).
قرائت جمهور «لا يُشْرِكُ» یاء غیبت و رفع: او در حکم خود کسی را شریک نمی‌سازد (ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۵۲).

چنانکه دیده شد در این آیه اختلاف قرائات موجب اختلاف در معنا می‌شود.

۵- ﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطاً﴾ (کهف/ ۲۸): «و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند، شکیبایی کن و برای تجمل زندگی دنیا چشم از ایشان برمگیر و از آن کس که قلبش را از یاد خویش غافل ساخته‌ایم و از پی هوای نفس خود می‌رود و اساس کارش بر تجاوز است، اطاعت مکن.»



وجوه قرائت «غده»:

قرائت ابن عامر «غُدُوْهُ»: به ضم غین و واو و سکون دال (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۳۴/۷؛ زمخشری الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۷۰۳/۲).

قرائت جمهور «غَداه»: به فتح غین و دال و با الف (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۳۴/۷).
زمخشری می افزاید که «اغفلنا قلبه» را با اسناد فعل قلب نیز خوانده اند: یعنی دلش را بی خبر یافتیم (همان: ۷۱۷)

در صورت اسناد فعل معنا از «قلبش را از یاد خویش غافل ساخته ایم» به «او را بی خبر یافتیم» تغییر می یابد.

۶- ﴿كُنَّا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا﴾ (کهف/۳۳-۳۶)؛ «هر دو باغ محصولات خود را بی هیچ کم و کاست می داد و میان آن دو نهری جاری ساختیم و او را محصولات (گوناگون) بود. پس به دوست خود که با او گفت و گو می کرد، گفت: من به مال از تو بیشتر و به افراد از تو نیرومندترم و گمان ندارم که قیامت برپا شود و اگر هم به نزد پروردگارم بازگردانده شوم، قطعاً جایگاهی بهتر از این خواهم یافت.»

وجوه قرائت «ثمر»:

قرائت ابوعمر و یعقوب: به ضم مثلته و سکون میم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۶۸/۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ص ۶۷).

قرائت عاصم: به ضم مثلته و فتح میم (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۶۷).
قرائت جمهور: به ضم مثلته و ضم میم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۶۸؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۶۷).

قرائت ابوجعفر، عاصم، یعقوب، سهل: به فتح ثاء و میم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۶۸/۶).

وجوه قرائت «خیراً منها»:

قرائت اهل حجاز و ابن عامر: «خیراً منهما» به جای «منها» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۲۱/۶).

قرائت اهل عراق: «خیراً منها» (همان).

اختلاف قرائت در ثمر به فتح یا ضم ثاء، همچنین در قرائت «منها» با «منهما»، اختلاف معنایی جزئی را ایجاد می کند.



۷- ﴿لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾ (كهف/ ۳۸)؛ «اما من (می گویم): الله پروردگار من است و هیچ کس را شریک پروردگار خویش نمی سازم.»
وجوه قرائت «لکنا»:

قرائت ابن عامر، ابن فلیح، برجمی و یعقوب: به اثبات الف در وصل و فصل (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۲۴).
قرائت جمهور: به حذف الف در وصل (همان).
قرائت قتیبہ: در حالت وقف و بدون الف (همان).
قرائت ابی بن کعب و حسن «لکن أنا»: قرائت شاذ (همان).
در قرائت «لکن»: لکن الله، پروردگار من است. با قرائت «لکنا»: لکن من می گویم: الله، پروردگار من است. اختلاف معنایی جزئی مشاهده می شود.

۸- ﴿وَلَوْلَا أَذْ دَخَلْتَ جَنَّتْكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَاقُوهُ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنَ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَلَوْلَا فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فُتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا﴾ (كهف/ ۳۹ - ۴۰)؛ «و چرا وقتی داخل باغ شدی نگفتی: هر چه خدا خواهد (همان شود) و هیچ نیرویی جز به تأیید خدا نیست؟ اگر مرا به مال و فرزند کمتر از خود می بینی، امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو را به من دهد و بر آن باغ آفتی از آسمان بفرستد تا به زمینی بایر و بی گیاه بدل شود.»
وجوه قرائت «إِنْ تَرَنَ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَلَوْلَا»:

به نصب اقل و فصل أنا: اگر مرا به مال و فرزند کمتر از خود می بینی (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۲۳).

به رفع اقل و خبر دانستن آن و مبتدا بودن أنا: اگر می بینی من کمتر از تو مال و فرزند دارم (همان).
اختلاف معنایی جزئی مشاهده می شود.
۹- ﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا﴾ (كهف/ ۴۴)؛ «آنجا ثابت شد که حاکمیت از آن خدای حق است. او در پاداش دادن بهتر و در فرجام نیکوتر است.»
وجوه قرائت «الولاية لله الحق»:

قرائت ابن کثیر، ابن عامر، نافع و عاصم: به فتح واو و به کسر قاف: وَلَايَهُ وَلِلَّهِ الْحَقِّ: در این جایگاه و در چنین حالتی تنها خدا می تواند یاری برساند و کس دیگری چنان اختیار و توانایی ندارد و این عبارت شرح «وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ» است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/ ۴۸؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۲۳).



قرائت ابوعمر: به فتح واو و ضم قاف: وَلَا يَه وَلِلَّهِ الْحَقُّ (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۴۸/۷).

قرائت کسائی: به کسر واو و ضم قاف: وَلَا يَه وَلِلَّهِ الْحَقُّ: در چنان حالتی قدرت و فرمانروایی از آن خداست و کسی نمی تواند بر خدا چیره شود و از فرمان او جلوگیری کند یا در چنین وضعیتی هر شخص مضطری اختیار کار خود را به خدا می سپارد و به او ایمان می آورد. عبارت «يَا لَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا» به معنای آن است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۴۸/۷؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۷۲۳/۲).

وجوه قرائت «عقباً»:

قرائت عاصم، حمزه «عقباً»: به سکون قاف و تنوین (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۷۲۴/۲؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۲۴/۶؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۷۴). قرائت جمهور «عقباً»: به دو ضمه و تنوین (همان).

وجوه قرائت «الحق»:

به رفع، بنا بر آنکه صفت برای «ولایه الله» باشد: ولایت حق، برای خدا است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۲۴/۶).

به جر: ولایت برای خداوندی است که حق است (همان).

اختلاف قرائت در آیه شریه باعث اختلاف در معنا می شود.

۱۰- ﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ (کهف/۴۷): «روزی که کوه ها را به حرکت در می آوریم و زمین را صاف و هموار بینی و آنان را گرد آوریم و هیچ یک از آن ها را فروگذار نکنیم.»

وجوه قرائت «يَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالُ»:

قرائت ابن کثیر و ابو عمرو و ابن عامر «يَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالُ»: روزی که کوه ها به حرکت در آیند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۷۳۰/۶).

قرائت جمهور «يَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالُ»: روزی که کوه ها را به حرکت در آوریم (همان).

اختلاف قرائت، تغییر معنایی به دنبال دارد.

۱۱- ﴿مَا أَشْهَدُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾ (کهف/۵۱): «آن ها را نه در آفرینش آسمان ها و زمین شاهد ساختیم و نه در آفرینش خودشان و من آن نیستم که همراه کنندگان را دستیار خود گیرم.»



وجوه قرائت «أَشْهَدُتُهُمْ» در مجمع البیان آمده:

قرائت ابوجعفر «أَشْهَدُناهُمْ»: برای تعظیم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۳).

قرائت جمهور «أَشْهَدُتُهُمْ» (همان).

وجوه قرائت «مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصْدًا»:

مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصْدًا: من آن نیستم که گمراه‌کنندگان را دستیار خود گیرم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۲۷).

مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصْدًا: درست نیست تو تصور کنی که آنان یاور من بوده‌اند (همان).

اختلاف قرائت، تغییر معنایی به دنبال دارد.

۱۲- ﴿وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا﴾ (کهف/

۵۲)؛ «روزی که خدا فرماید: آنهايي را که می‌پنداشتید شریکان من‌اند (به یاری خود) ندا دهید. پس آن‌ها را ندا دهند، ولی اجابتشان نکنند و ما میان آن‌ها عداوت نابودکننده‌ای قرار داده‌ایم.»

وجوه قرائت «يَوْمَ يَقُولُ»:

قرائت حمزه «يَوْمَ يَقُولُ»: روزی که می‌گوییم: ندا کنید، شریکان ما را که می‌پنداشتید (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۳).

قرائت جمهور «يَوْمَ يَقُولُ»: بگو ای محمد ﷺ (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۳؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۲۸؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۸۷).

اختلاف قرائت، تغییر معنایی به دنبال دارد.

۱۳- ﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ

الْعَذَابُ قُبْلًا﴾ (کهف/ ۵۵)؛ «و هنگامی که هدایت به سوی مردم آمد، چیزی مانع آنها نشد که ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند جز اینکه همان بلاها بر سرشان آمد که بر پیشینیان آمد یا انواع عذاب بر ایشان آمد (تا به خود آیند).»

وجوه قرائت «قُبْلًا»:

قرائت اهل کوفه «قُبْلًا»: به دو ضمه (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۲۹؛ طبرسی،

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۷؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۹۲).

قرائت جمهور «قُبْلًا» به کسر قاف و فتح باء: به معنی مقابل ظاهر (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر

القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۷).



قراءة «قَبْلًا» به فتح قاف و باء: به معنای مستقبلاً (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۲۹).

بر اثر قرائت‌های مختلف، معنا تغییراتی از انواع عذاب یا عذاب رویاروی می‌نماید.

۱۴- ﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (کهف/ ۵۹)؛ «و مردم آن شهرها را چون ستم کردند هلاک نمودیم و برای هلاکتشان موعدی نهادیم».

وجوه قرائت «لمهلکهم»:

قراءة حفص از عاصم «لِمَهْلِكِهِمْ» به فتح میم و کسر لام: اسم زمان، شیخ طوسی موضع هلاک را هم اضافه نموده مثل مغرب الشمس (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/ ۶۶؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۸؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۳۰).

قراءة حماد و یحیی از ابی بکر «لِمَهْلِكِهِمْ» به فتح میم و لام: آن را مصدر گرفته‌اند که به مفعول اضافه شده است. زمخشری آن را زمان یا مصدر به معنای برای نابودی آنان یا زمان نابودی آنان «الموعِد» زمان گرفته است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۸؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۳۰).

قراءة اعشی و برجمی «لِمُهْلِكِهِمْ» به ضم میم در اینجا و به فتح میم در سوره نمل (همان).

قراءة جمهور «لِمُهْلِكِهِمْ» به ضم میم و فتح لام: ممکن است مصدر یا اسم مکان به معنای اهلاك یا وقت اهلاك باشد. ابن عاشور آن را مصدر میمی از اهلك دانسته است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۳۸؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۹۷).

اختلاف قرائت موجب تغییر معنایی اندکی شده است: برای هلاکت‌شان موعدی قرار دادیم یا برای زمان هلاک ایشان موعدی قرار دادیم یا برای مکان هلاک ایشان موعدی قرار دادیم.

۱۵- ﴿فَانْظُرْ حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا﴾ (کهف:

۷۱)؛ «پس به راه افتادند، تا وقتی سوار کشتی شدند و (خضر) آن را سوراخ کرد (موسی) گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟! واقعا به کار ناروایی مبادرت کردی!»

وجوه قرائت «لتغرق اهلها»:

قراءة اهل کوفه غیر از عاصم «أهلها» به فتح یاء و راء و رفع: این کار را انجام دادی تا آن‌ها را غرق کنی؟ (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/ ۷۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۴۶).

قراءة جمهور «أهلها» به ضم تاء و نصب: این قرائت را بهتر دانسته‌اند؛ زیرا اسناد فعل به مخاطب است: این کار را انجام دادی و غرض تو هلاک کردن اهل کشتی بود؟! (به وجه انکار) (همان).



تغییر معنایی در اختلاف قرائت دیده می‌شود.

۱۶- «قَالَ إِنَّ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا» (کهف/ ۷۶)؛ «(موسی)

گفت: اگر از این پس چیزی از تو سؤال کنم، با من همراهی مکن و از جانب من البته معذور خواهی بود.»

وجوه قرائت «فلا تصاحبني»:

قرائت یعقوب از روح و زید «فلا تصاحبني» بدون الف: رفیق من نباش (طبرسی، مجمع البیان فی

تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۴۸).

قرائت جمهور «فلا تصاحبني»؛ اگر خواستم رفیق من باشی با من رفاقت نکن. فلا تکن صاحبی و

فلا تصاحبني: مرا همراه خود نساز و نگذار که با تو همراه شوم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،

۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۴۸؛ زمخشری الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۳۶).

وجوه قرائت «لدني»:

قرائت اهل مدینه و ابوبکر از عاصم و نافع «لدني» به تخفیف نون: ابن عاشور معتقد است که نون

وقایه را برای تخفیف حذف کردند زیرا لدن از عن و من ثقیل تر است لذا تخفیف در آن مقبول است،

به خلاف من و عن (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۴۸؛ زمخشری، الکشاف،

۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۳۶؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۱۱۴).

قرائت جمهور «لدني» به تشدید: این قرائت بهتر است؛ زیرا برای حفظ سکون نون بهتر است پیش

از یاء یک نون اضافه شود (همان).

قرائت ابوبکر «لدني» به ضم لام و سکون دال و اشمام غیر اشباع (طوسی، التبیان فی تفسیر

القرآن، ۱۴۰۹ ق: ۷/ ۷۶).

قرائت کسائی از ابوبکر «لدني» به ضم لام و سکون دال (همان).

در قرائت «فلا تصاحبني» این معنا را هم تأکید کرده که در صورت درخواست و اصرار من هم

نگذار که با تو همراه شوم.

۱۷- «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا

أَنْ تَعَذَّبَ وَإِنَّمَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا» (کهف/ ۸۶)؛ «تا اینکه به محل غروب خورشید رسید، به نظرش

آمد که (خورشید) در چشمه‌ای گل آلود و سیاه غروب می‌کند و در آنجا مردمی یافت. گفتیم: ای ذو

القرنین! یا (اینان را) عذاب می‌کنی یا در میان آنها نیکویی پیش می‌گیری.»



وجوه قرائت «حمئه»:

قرائت ابوعبیده و ابی الحسن، ابن مسعود، طلحه، ابن عمر، ابن عمرو و حسن «حامیه» با الف و تخفیف همزه: در چشمه‌ای سوزان غروب کرد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/۸۴؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/۷۳۶).

قرائت ابن عباس «حمئه» بدون الف و با همزه: در چشمه‌ای گل آلود غروب کرد (همان).

اختلاف معنایی ناچیزی ایجاد می‌شود.

۱۸- ﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا﴾ (کهف/۹۰)؛ «تا آنگاه که به طلوع‌گاه خورشید رسید آن را دید بر قومی طلوع می‌کند که برای آن‌ها در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم.»

وجوه قرائت «مطلع»:

مصدر: هنگامی که طلوع کردن خورشید فرا رسید (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/۷۴۵).

اسم مکان یا زمان: تا آنگاه که به طلوع‌گاه خورشید رسید (همان).

تغییر معنایی ملاحظه می‌شود.

۱۹- ﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا﴾ (کهف/۹۳)؛ «تا اینکه بمیان دو کوه رسید و در آنجا قومی دید که به سختی حرف را می‌فهمیدند.»

وجوه قرائت «سدین»:

قرائت ابن کثیر، ابوعمر، عاصم در روایت حفص «سدین» به فتح: آنچه از صنعت انسان است، سدین نام دارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/۸۹؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ق: ۶/۷۴۶؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/۷۴۶).

قرائت جمهور «سدین» به ضم: به دیوارهایی که در طبیعت از صنع خداوند ساخته شده، سدین گفته می‌شود (همان).

وجوه قرائت «یفقهون»:

قرائت اهل کوفه به غیر از عاصم «یفقهون» به ضم یاء و کسر قاف: نمی‌توانند سخن خود را به شنونده تفهیم کنند و آن را آشکارا بیان نمی‌کنند؛ زیرا زبانشان ناآشنا و بیگانه است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/۸۹؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۲/۷۴۶؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۱۳۲).

قرائت جمهور «یفقهون» به فتح یاء و قاف: زبان غیر خودشان را نمی‌فهمیدند (همان).



به نحوی که دیده شد، اختلاف قرائت موجب اختلاف در معناست.

۲۰- ﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾ (کهف/ ۹۴)؛ گفتند: ای ذو القرنین! یأجوج و مأجوج سخت در روی زمین فساد می‌کنند. آیا ممکن است، برای تو هزینه‌ای تأمین کنیم تا میان ما و ایشان سدی بسازی؟

وجوه قرائت «يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ»:

قرائت عاصم: به همزه (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۴۶).

قرائت جمهور: به غیر همزه (همان).

قرائت رُوبه: «آجوج و ماجوج» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۴۶).

وجوه قرائت «خارجا»:

قرائت جمهور «خرجاً» به غیر الف: به معنی هزینه (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق، ۶/ ۷۵۹؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۴۶).

قرائت اهل کوفه غیر عاصم «خارجا» با الف: به معنی مالیات (همان).

وجوه قرائت «سداً»:

قرائت ابن کثیر، ابوعمر، حفص و کسایی «سداً» به فتح سین (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۴۶؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ ق: ۱۳۴).

قرائت جمهور «سداً» به ضم سین (همان).

خرجاً به معنی هزینه و خارجاً به معنی مالیات اختلاف معنا در آیه شریفه است.

۲۱- ﴿قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا﴾ (کهف/ ۹۸)؛ (ذو القرنین) «گفت: این (ساختن سد) رحمتی از جانب پروردگار من است، ولی چون وعده پروردگار مرا رسد، آن را در هم کوبد و وعده پروردگارم حق است.»

وجوه قرائت «دکاء»:

قرائت کوفیان «دکاء» به مد: که در آن مضاف در تقدیر است «جعلهُ مثل دکاء» به این معنا که وقتی خدا بخواهد آن را صاف و محو مثل زمین هموار می‌کند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۶۳).

قرائت جمهور «دکا»: مفعول مطلق فعل محذوف (برای مبالغه): آن را بسیار صاف و محو می‌کند (همان).

اختلاف معنایی ناچیزی در حد مبالغه ایجاد می‌شود.



۲۲- ﴿أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا﴾ (کهف/ ۱۰۲)؛ «آیا کسانی که کافر شدند، پنداشتند که می‌توانند به جای من بندگانم را سرپرست بگیرند؟ ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده‌ایم.»
وجوه قرائت «أَفَحَسِبَ»:

قرائت ابوبکر و یعقوب «أَفَحَسِبَ» به رفع باء و سکون سین: آیا برای کافرین همین اندازه بس است که مخلوقات مرا پرستش کنند؟ (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۷۶۵؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۴۹).

قرائت علی بن ابی طالب (علیه السلام) «أَفَحَسِبَ» به کسر سین و فتح باء: آیا کسانی که کافر شدند، پنداشتند که می‌توانند به جای من بندگانم را سرپرست بگیرند؟ (همان).
اختلاف معنایی در آیه مشاهده می‌شود.

۲۳- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ وَزْنًا﴾ (کهف: ۱۰۵)؛ «آنان کسانی هستند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آن‌ها میزانی برپا نمی‌کنیم.»
وجوه قرائت «فَلَا يُقِيمُ»:

لا نُقِيمُ: روز قیامت برای آن‌ها میزانی برپا نمی‌کنیم (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۷۴۹).
لا يُقِيمُ: روز قیامت برای آن‌ها میزانی برپا نمی‌شود (همان).
اختلاف معنایی در حد معلوم و مجهول بودن فعل رخ می‌دهد.

۵- نتیجه

۱- یکی از شاخه‌های علوم قرآنی که در ترجمه، تفسیر و درک صحیح کلام الهی تأثیرگذار است، علم قرائت است.

۲- دو دیدگاه عمده در میزان تأثیرگذاری قرائات مختلف در فهم قرآن کریم وجود دارد. یک دیدگاه قائل به تأثیرگذاری مطلق قرائات مختلف است. دیدگاه دیگر این تأثیرگذاری را به قدری ناچیز می‌داند که می‌توان از آن صرف‌نظر کرد و در حقیقت با وجود قرائات مختلف در اصل مراد الهی تغییری حاصل نمی‌شود.

۳- سوره کهف به عنوان سوره‌ای که حجم قابل توجهی از اختلاف قرائات را به خود اختصاص داده در چهار تفسیر از فریقین که توجه ویژه‌ای به بحث اختلاف قرائت کرده‌اند، مورد مذاقه قرار گرفت. بر اساس چهار تفسیر محور از مجموع ۱۱۰ آیه این سوره، ۴۴ آیه دارای اختلاف قرائات است که در ۲۱

آیه به هیچ عنوان اختلاف قرائات موجب اختلاف معنایی نشده و در ۲۳ آیه موجب اختلاف معنایی جزئی در حد مبالغه، تأکید، کثرت و ... شده است، به نحوی که در اصل معنا اثر نگذاشته و می‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

۴- در حقیقت با بررسی اختلاف قرائات مطرح نزد مفسران شهیر فریقین در سوره کهف این دیدگاه که اختلاف قرائات در بسیاری از موارد موجب تغییر معنایی نشده و در سایر موارد تغییر معنایی به قدری جزئی است که قابل اغماض بوده و در اصل کلام الهی خللی وارد نمی‌کند، تأیید می‌شود که این خود سندی بر صدق وعده الهی در حفظ این کتاب عزیز است.

۵- می‌توان گفت قرائت مشهور که طی نسل‌ها سینه‌به‌سینه حفظ شده است، قرائت اصلی بوده و سایر قرائات تأثیری در معنا نداشته و در زمره اخبار آحاد و ناشی از اختلاف راویان قرائات است. همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمودند: قرآن واحد است و از منبع واحد نازل شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۰).

پیوست

جدول اختلاف قرائات با تغییر معنایی سوره مبارکه کهف از قراء سبعة بنابر تفاسیر مذکور

قرائت عامه (حفص از عاصم)			لَمَلِئَتْ	رُعْباً	لَا تُشْرِكُ	بالغداة	تَمَرَّ	خيراً منها	وَلَا يَهُ لِلَّهِ الْحَقِّ
نوع اختلاف			صرفی	آوایی	نحوی	صرفی	آوایی	صرفی	نحوی
فراز	آیه	سوره	۵	۱۸	۱۸	۵	۱۸	۱۸	۱۸
نافع مدنی	قالون	لَمَلِئَتْ							وَلَا يَهُ لِلَّهِ الْحَقِّ
	ورش	"							"
ابن کثیر مکی	بُزْجِي	"						خيراً منهما	"
	قیل	"						"	"
ابو عمرو بصری	دوری	لَمَلِئَتْ					تَمَرَّ		
	سوسی	"					"		
ابن عامر شامی	هشام	"		رُعْباً	لَا تُشْرِكُ	غُدوه		"	"
	ابن دکران	"		"	"	"		"	"

							عاصم کوفی	ابوبکر
وَلَا يَهْدِي اللَّهُ الْحَقَّ							حمزة کوفی	خلف
"								خالد
وَلَا يَهْدِي اللَّهُ الْحَقَّ							کسانی کوفی	ابو الحارث
								دوری

جدول اختلاف قرائات با تغییر معنایی سوره مبارکه کهف از قراء سبعة بنابر تفاسیر مذکور

قرائت عامه (حفص از عاصم)			تُسِيرُ الْجِبَالُ	يَقُولُ	لَدُنِّي	يَفْقَهُونَ	خَرَجَا	سَدًّا	أَفْحَسِبَ
نوع اختلاف			صرفی	نحوی	آوایی	صرفی	صرفی	آوایی	صرفی
نَافِعٌ	عَاصِمٌ	بُزْزِي	أَبُو بَكْرٍ	أَبُو بَكْرٍ	أَبُو بَكْرٍ	أَبُو بَكْرٍ	أَبُو بَكْرٍ	أَبُو بَكْرٍ	أَبُو بَكْرٍ
نافع مدنی	قالون				لَدُنِّي			سَدًّا	
	ورش				"			"	
ابن کثیر مکی	بُزْزِي	تُسِيرُ الْجِبَالُ							
	قنبل	"							
ابوعمره بصری	دوری	"							

						"	سوسی	
	"					"	هشام	ابن عامر شامی
	"					"	ابن ذکوان	
أَفَحَسْبُ	"	خراجاً	يُفْقَهُونَ	لُدْنِي			ابوبکر	عاصم کوفی
	"				نقول		خلف	حمزه کوفی
	"				"		خلّاد	
				"			ابوالحار ث	کسائی کوفی
				"			دوری	

منابع

۱. آشوری، حسین، «تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۳ و ۲۴، ۱۳۷۹ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، الخصال، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، به کوشش علی محمد الضباع، مکتبه العصریه، مصر: ۱۴۳۴ ق.
۴. —، منجدالمقرئین و مرشد الطالبین، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف به تفسیر ابن عاشور، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۶. ابن فارس، احمد بن زکریا، مقایس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن منظور رونیعی افریقی، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت: ۱۳۸۹ ق.
۸. اخوان، محمد، «تکنگاره‌های قرآنی - درآمدی بر مسأله حجیت قرائات قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۴، ۱۳۸۴ ش.
۹. اعرابی، غلامحسین، «نظریه‌ای جدید درباره نزول قرآن بر هفت حرف»، مجله پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۹، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. اقبال، ابراهیم، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، نشر بین‌الملل، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۱۱. اکبرنژاد، مهدی؛ گراوند، نجمیه؛ علی‌دادی‌گراوند، مظفر، «بررسی چگونگی تأثیر اختلاف قرائات در برداشت‌های تفسیری مجمع‌البیان»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱۳، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. امیری، جهانگیر، مبانی علم قرائت، نشر ندای دوست، قم: ۱۳۸۳ ش.
۱۳. امینی، محمد، براتیان، جمیله، بررسی عوامل و کاربردهای اختلاف قرائات قرآن از دیدگاه دانشمندان علوم قرآن و آیت الله فاضل لنکرانی، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۴. بستاکچی، افشان؛ پارچه باف دولتی، کریم، «بررسی و تحلیل قرائات قرآن کریم از دیدگاه ابن جزری در کتاب النشر فی القرائات العشر»، پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۸ ش.



۱۵. بهجت پور، عبدالکریم؛ محمدی فر، علیرضا، «بی تأثیری اختلاف قرائات بر تحریف قرآن از دیدگاه استاد معرفت»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۳۰، ۱۳۹۸ ش.
۱۶. پورایوانی، سید مرتضی، «تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن»، مطالعات قرآنی، شماره ۳۱، ۱۳۹۶ ش.
۱۷. جانی پور، محمد، «تأثیرات جریان مدینه محوری در گسترش و ترویج برخی قرائات قرآنی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال دهم، شماره دوم، ۱۳۹۶ ش.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۱۹. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، «بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قراءات»، مطالعات اسلامی، شماره ۶۸، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. دمیاطی، شهاب الدین احمد، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۲۱. دیاری، محمدتقی، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، دانشگاه قم، قم: ۱۳۸۵ ش.
۲۲. دیمه کارگراب، محسن؛ ایروانی نجفی، مرتضی، «روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در تفسیر المیزان»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۷، ۱۳۹۴ ش.
۲۳. ذهبی، شمس الدین محمد، معرفه القراء الکبار، تحقیق: سید جاد الحق، مطبعه دار الکتاب الحدیث، مصر: ۱۹۶۷ م.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالقلم، دمشق: ۱۴۱۲ ق.
۲۵. راغبی، محمدعلی، «قراءات»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. رکنی یزدی، محمد مهدی، «آشنایی با علوم قرآنی»، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد: ۱۳۷۹ ش.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل. مصحح: حسین احمد، مصطفی، دار الکتاب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. سلطانی فر، صدیقه؛ حکیم سیمما، مریم؛ «کتاب‌شناسی قرآن و علوم قرآنی»، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۰ ش.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، بی جا، قاهره: ۱۳۶۰ ق.



۳۰. طالقانی، عبدالوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، دارالقرآن الکریم، قم: ۱۳۶۱ش.
۳۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۳۹۰ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۳۴. فاکرمیبدی، محمد، «اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی»، مجله قرآن شناخت، سال چهارم. شماره هشتم، ۱۳۹۰.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دارالهجره، قم: ۱۴۰۹ق.
۳۶. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة، تاریخ و تعریف، دارالقلم، بیروت: ۱۴۰۵ق.
۳۷. قابه، عبدالحلیم، «دراسات إسلامیه کیف تتعامل مع القراءات القرآنیة»، مجله التراث العربی، شماره صد و هفتم، ۱۴۲۸ق.
۳۸. قاضی، عبدالفتاح عبدالغنی، البدور الزاهره فی القراءات العشر المتواتره من طریق الشاطبیه و الدرہ، دارالسلام، قاهره: ۱۴۲۶ق.
۳۹. کلاتتری، ابراهیم، «عوامل اختلاف قرائات قرآن کریم»، بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام)، شماره هفدهم، ۱۳۷۷ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق
۴۱. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، چاپ یازدهم، مؤسسه فرهنگی تمهید، قم: ۱۳۸۹ش.
۴۲. نیک طبع، صدیقه، عامری، محمدجواد، تحلیل اختلاف قرائات و رابطه آن با تحریف قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

References

1. Ashouri, Hossain. "The Effect of Reading Differences on Interpretation". Quranic Researches Journal. No 23 and 24, 2001.
2. Ibn-e- Babewehi, Muhammad Ibn Ali Ibn-Hossein. "Al-Khisal". Qom: Association of Qom Semirary Teachers, 1983.
3. Ibn-e-Jazri, Muhammad. "Munjed al'Moq'ireen wa Morshud al'Talibeen". Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1999.
4. Ibn-e-Jazari, Muhammad. "al'Nashr F al'Qira'at al-Ashr". Egypt: Maktabat 'al-Asriah. 2013.
5. Ibn-e-Ashour, Muhammad Taher. "Al-Tahrir wa al'Tanwir". Beirut: Arab History Institute. 1999.
6. Ibn-e-Faris, Ahmad Ibn Zakaria. "Maqae'es al-Lughah". Qom: Dar al-Fikr for Printing, 1984.
7. Ibn Manzur Rufe Afriqi, Muhammad Ibn Makrram, Lisan al-Arab, Dar Al-Fikr for Printing Publishing and Distribution, Beirut: 1389AH.
8. Akhavan, Muhammad, "Quranic monographs - an introduction to the issue of the authority of Quranic Readings", Quranic researches, No. 44, 2005.
9. A'rabi, Ghulam Hossein, "New Theories on the Revelation of the Qur'an in Seven Letters", Journal of Quran and Hadith Research, No. 9, 2011.
10. Iqbal, Ibrahim, Dictionary of Quranic Sciences, International Publishing, Tehran: 2006.
11. Akbarnejad, Mehdi; Ground, Najmieh; Alidadi-Ground, Muzaffar, "Study of the Effect of Differences in Readings on the Interpretive Comprehension of Majma 'al-Bayan", Quran and Hadith Studies, No. 13, 2013.
12. Amiri, Jahangir, Fundamentals of the Science of Reading, Nidaye Doost Publishing, Qom: 2004.
13. Amini, Muhammad, Baratian, Jamileh, A Study of the Facts and Applications of the Difference between Quranic Readings from the Perspective of Quranic Specialists and Ayatollah Fazel Lankarani, Quranic Reading Studies, Volume 7, Number 13, Fall and Winter 1398.
14. Bastakchi, Afshan; Parchebaf Dolati, Karim, "Study and Analysis of the Recitations of the Holy Quran from Ibn Jazari's Viewpoint in the Book Al-Nashr Fi al-Qira'at al-Ashar", New Researches in the Teachings of the Quran and Sunnah, Second Year, Third Issue, 1398.
15. Behjatpour, Abdul Karim; Muhammadifar, Alireza, "The ineffectiveness of differences in readings on the distortion of the Qur'an from the perspective of the master of knowledge", Quranic teachings, No. 30, 1398.
16. Pouraivani, Seyyed Murtaza, "Conflict of Differences in Recitation and Non-distortion of the Qur'an", Qur'anic Studies, No. 31, 2017.
17. Janipour, Muhammad, "The Effects of the Medina-centered Current in the Development and Promotion of Some Qur'anic Radings", Quran and Hadith Studies, Year 10, Number 2, 2017.
18. Johari, Ismail Ibn Hammad, Taj al-Lughah and Sahah al-Arabiyyah, Dar El Ilm Lilmalayin, Beirut: 1404 AH.
19. Haji Ismaili, Muhammad Reza, "Study of the Interaction and Confrontation between the two Fields of Reading and Writing the Qur'an from the Time of Revelation to the Glorification of Readings", Islamic Studies, No. 68, 2005.
20. Damiaty, Shahab al-Din Ahmad, The Unity of Scholars in the Fourteen Readings, Dar al-Kitab al-Ilmiya, Beirut: 1422 AH.

21. Diari, Muhammad Taghi, An Introduction to the History of Quranic Sciences, Qom University, Qom: 2006
22. Dimeh Kargrab, Muhsin; Irvani Najafi, Murtaza, "Allamah Tabatabai's Method in the Facing Differences in Readings in Tafsir Al-Mizan", Researches Quranic and Hadith Sciences, No. 27, 2015
23. Zahabi, Shams al-Din Muhammad, The Knowledge of the Great Reciter, Research: Seyyed Jad al-Haq, Dar al-Ketab al-Hadith Publisher, Egypt: 1967
24. Raghib Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Dar al-Qalam, Damascus: 1412 AH.
25. Raghibi, Muhammad Ali, "Readings", Historical Studies of Quran and Hadith, No. 35 and 36, 2004.
26. Rokni Yazdi, Muhammad Mehdi, "Introduction to Quranic Sciences", Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, Mashhad: 2000.
27. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar, Al-Kashaf An Ghawamiz al-Tanzir wa Uyun al-Aqawil Fi Wujuh al-Tawil. Editor: Hussein Ahmad, Mustafa, Dar Al-Kitab al-Arabi, Beirut: Third Edition, 1407 AH
28. Sultanifar, Siddiqeh, Hakimsima, Maryam; "Bibliography of Quran and Quranic Sciences", Islamic Preaching Organization, Tehran: 1991.
29. Siouti, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr, Al-Itqan Fi Uloom Al-Quran, S.L, Cairo: 1360 AH.
30. Taliqani, Abdul Wahab, Quranic Sciences and List of Sources, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 1982.
31. Tabatabai, Muhammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Second Edition, Scientific Institute for Publications, Beirut: 1390 AH.
32. Tabrasi, Fadl Ibn Hassan, Al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an, Nasir Khosrow, Tehran: Third Edition, 1414 AH.
33. Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tibyan Fi Tafsir al-Qur'an, Edited by Ahmad Habib, Dar al-Ihyaa al-Turath al-Arabi, Beirut: 1409 AH.
34. Fakermibydi, Muhammad, "Difference of Readings and Its Role in Interpretation from the Perspective of Allamah Tabatabai", Journal of Quran Shenakht, Fourth Year, Issue 8, 1390.
35. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ain, Dar al-Hijrah, Qom: 1409 AH.
36. Fazli, Abdul Hadi, Quranic Readings, History and Definition, Dar al-Qalam, Beirut: 1405 AH.
37. Qabeh, Abdul Halim, "Islamic Studies; How to Interact Them with Quranic Readings", Journal of Arab Heritage, No. One Hundred and Seventh, 1428 AH.
38. Qadhi, Abd al-Fattah Abd al-Ghani, Al-Bodor al-Zahirah Fi al-Qira'at al-Ashr al-Mutawitirah Min Turuqai al-Shatibiyyah wa al-Durhah, Dar al-Salam, Cairo: 1426 AH.
39. Kalantari, Ibrahim, "Factors of Differences in the Recitation of the Holy Quran", Bayyinat (Institute of Islamic Studies of Imam Reza (as)), No. 17, 1998.
40. Kuliani, Muhammad Ibn Ya'qub, Al-Kafi, Islamic Books Publications, Tehran, 1407 AH
41. Ma'rifat, Muhammad Hadi, Quranic Sciences, Eleventh Edition, Tahmid Cultural Institute, Qom: 2010.
42. Niktaba', Siddiqeh, Ameri, Muhammad Javad, Analysis of the Difference between Readings and Its Relationship with the Distortion of the Qur'an with Emphasis on the Views of Ayatollah Fazel Lankarani, Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 13, Fall and Winter 2019/2020.